

جهان بینی کود کانه

مروری بر مجموعه داستان «وقتی بابام کوچک بود»

مهدی ابراهیمی لامع



نام کتاب: وقتی بابام کوچک بود
 نویسنده: علی احمدی
 تصویرگر: رودابه خائف
 ناشر: آفرینگان
 نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۹، تهران
 شمارگان: ۲۲۰۰۰ نسخه
 بها: ۲۰۰۰ تومان

مجموعه داستان «وقتی بابام کوچک بود» نوشته‌ی علی احمدی است که شامل دوازده داستان کوتاه برای رده‌ی سنی ۷ و ۸ می‌باشد. با آنکه مکان و شخصیت‌های اصلی تقریباً ثابت‌اند، اما مضامین مستتر در داستان‌ها با هم متفاوت می‌باشند. راوی داستان‌های این مجموعه راوی نظاره‌گری است که تنها ماجراهای پدرش را (وقتی کوچک بود) روایت می‌کند. این نوع راوی شباهت‌های زیادی با راوی اول شخص و سوم شخص محدود به ذهن دارد. کارکرد این نوع راوی از یک سو محدود می‌شود به ذهن و عملکرد پدر راوی که در ظاهر امر عرصه‌ی روایت را برای راوی تنگ‌تر کرده، اما در نهایت بر جذابیت روایت می‌افزاید. از سوی دیگر نویسنده با انتخاب این راوی، اگر چه در ظاهر امر غایب است، اما همیشه همراه و نظاره‌گر ماجراهای پدرش بوده و امکانات روایی گسترده‌تری نسبت به راوی اول شخص در اختیار نویسنده قرار می‌دهد. به دیگر سخن راوی می‌تواند چیزهایی را ببیند و بشنود که خارج از دیدگاه پدرش است. مثل دوربینی که لحظه به لحظه رویدادهای درونی و بیرونی پدر را زیر نظر دارد و هر جایی که لازم به گسترش دامنه‌ی اطلاعات باشد از امکانات این دوربین در جهت نشان دادن رویدادهای پیرامونی استفاده می‌کند. اینگونه راوی‌ها که نزدیک به اول شخص و با امکانات سوم شخص محدود به ذهن هستند، علاوه بر ایجاد رابطه‌ای صمیمانه با خواننده (به علت نزدیکی با راوی اول شخص) به نوعی خود را از تیررس نگاه خواننده خارج کرده و سهم خواننده را در خوانش و تاویل متن بیشتر می‌کنند. (به علت نزدیکی با راوی سوم شخص) و همه‌ی این‌ها خلاقیت نویسنده در انتخاب راوی را نشان می‌دهد. به نمونه‌ای توجه کنید:

«وقتی بابام لباس را پوشید، یک شانهاش از یقه‌ی لباس افتاد بیرون، از آن بدتر این بود که وقتی کلاه بابایش را گذاشت روی سرش، کلاه مثل نان لواش آویزان شد و تا زیر دماغش آمد پایین... اما بابام بیدی نبود که با این بادها بلرزد، برای همین هم لباس‌ها را در آورد و مرتب کرد و گذاشت سر جایش.» (از داستان شکارچی هیولا)

از دیگر ویژگی‌های این مجموعه جنب و جوش کوکانه و بازیگوشی شخصیت اصلی است. تار و پود همه‌ی داستان‌های این مجموعه بر مبنای حس کنجکاو‌ی بیش از اندازه و شیطنت کودکانه طرح ریزی شده‌اند. شخصیت اصلی می‌دود، می‌پرد، داد می‌زند، کنجکاو می‌شود و به دیگر سخن مانند همه‌ی کودکان هم سن و سال خود شدیداً عملگراست. به کارگیری کنش‌های عملی در طرح این داستان‌ها نشانه‌ی زیرکی نویسنده در شناخت خصوصیات کودک و ایجاد هم ذات‌پنداری در خواننده با شخصیت‌های داستان است. به نظر نگارنده‌ی این نوشتار یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که کودک را کودک و متمایز از بزرگسال می‌کند، تکاپو و جنب و جوشی است که دنیایی متلاطم و متغیر را برای کودک ایجاد می‌کند: همان‌گونه که اندیشه، تفکر و تخیل کودک نیز دچار این تغییرات مداوم است.

به کارگیری این عنصر مزیت مهم دیگری هم داراست. درون و برون کودکان سنین ۷ تا دوازده سال هر لحظه در حال تغییر و شناختی جدید است. خواندن این گونه داستان‌ها علاوه بر آنکه کودک را وارد دنیای پر جنب و جوش مورد علاقه‌اش می‌کند، از طرف دیگر با این همانی کردن و جانشینی شخصیت خود با شخصیت‌های داستان، به تجربه‌هایی می‌رسد که کم از تجربه‌ی واقعی در زندگی بیرونی ندارند. این نکته از آن رو دارای اهمیت است که کودک هم زمان که می‌خواند و لذت می‌برد، در اثر تجربه کردن کودکانگی شخصیت‌های داستان، تخلیه‌ی روانی شده و از آن به بعد به نوعی آرامش درونی خواهد رسید. این آرامش در اثر خواندن، تجسم کردن و هم ذات‌پنداری با شخصیت‌های داستان بوجود می‌آید و اگر چنین تجربه‌هایی نباشند، لزوماً باید در درون خود زندگی (با همان شیطنتی که کودکان دارند) و پس از گذشت زمان به دست بیابند که شاید در بزرگسالی تجربه‌های تلخ هم باشند. به نظر من کتاب خوب کتابی است که کودک (و بزرگسال) را به نوعی با تجربه‌ی زیستی‌ای که خود او تا آن لحظه لمس نکرده آشنا و رو به رو کند: مانند همین مجموعه.

اینکه راوی به جای روایت کودکی خویش، ماجراهای گذشته‌ی پدرش را بازگو می‌کند شاید زیاد برای خواننده توجیه پذیر نباشد، اما علاوه بر مزیتی که در برخورداری از امکانات روایی اول و سوم شخص دارد، کودک با خواندن ماجراهای دوران بچگی و بازیگوشی‌های پدر شخصیت داستانی، علاوه بر ایجاد رابطه‌ای سازگار و صمیمانه با والدین (در اینجا پدر) در افکار خود کوچکی‌های پدرش را با کودکی خودش قیاس کرده و به این نتیجه می‌رسد که همه‌ی بزرگسالان زمانی کوچک بوده‌اند و نیز همانند آن‌ها به بازی و شیطنت و بازیگوشی نیازمند، و خود را جزوی از آن‌ها خواهد یافت، که این مهم روند طبیعی رشد عاطفی، فکری و شکل‌گیری شخصیت کودک را در بر خواهد داشت. به نمونه‌ای از بازیگوشی شخصیت توجه کنید:

«... از توی دیوار طبقه‌ی اول، نزدیک سر عروس و داماد، در لوله بخاری نفتی کنده شد و یک عالم آجر، دوده، گچ و قلوه سنگ بیرون ریخت و سر و کله‌ی همه‌ی آدم بزرگ‌ها را سیاه و دوده‌ای کرد. مه‌مان‌ها هم از در و پنجره فرار کردند و رفتند توی حیاط...» (از داستان عکس دودی)

طرح (پلات) داستان‌های این مجموعه دارای ساختار به نسبت یکسانی هستند. بیشتر آن‌ها از یک الگوی ساده (ارسطویی) پیروی می‌کنند و دارای مقدمه، میانه و پایان می‌باشند. به طور معمول در ابتدای هر داستان برای رویداد اصلی مقدمه چینی شده و سپس وارد رویداد اصلی می‌شویم. در این میان شخصیت اصلی در برابر رخدادها به چالش کشیده می‌شود و جالب آنکه بیشتر پایان بندی‌ها در انتهای داستان به خوبی و خوشی تمام می‌شوند و تنها چیزی که در ذهن خواننده باقی می‌ماند عنصر یا جهان بینی کودکانه‌ی شخصیت داستان است. اما در این میان دو داستان «ضد شوک» و «خروس جنگی» جای کمی تامل دارند. در داستان اول محور داستانی دو پاره شده و ابتدا و انتهای داستان تقریباً ربطی به هم ندارند. در دو سه صفحه‌ی اول، داستان با روایت بازگشت پدر شخصیت اصلی از کار و ماجرای هندوانه بغل کردن و خوردن او پیش برده می‌شود، سپس نویسنده شخصیت اصلی را وارد بیمارستان می‌کند و ماجرای هم‌اتاقی بیمار او را روایت می‌کند. نکته‌ای که قابل توجه است، تمرکز نویسنده و توجه ویژه‌ی او به شیطنت‌های کودکانه است که از خانه آغاز و تا بیمارستان ادامه پیدا می‌کند، اما ربط دادن این‌ها با هم دچار نوعی پیش‌اندیشیدگی مصنوعی شده است. طوری که صرف نظر از جذابیت و کشش داستانی موجود در آن، رخدادها طوری جمع شده‌اند که انگار تنها هدف نویسنده بازگویی و نمایش شیطنت پدرش بوده و دیگر هیچ! به دیگر سخن غیر از خوردن میوه‌های نشسته در دو سه صفحه‌ی اول، ارتباط چندانی نمی‌توان با صفحات آخر یافت. و این همه پرداخت تنها به صرف نشان دادن بازیگوشی‌های شخصیت توجیه پذیر است.

در داستان «خروس جنگی» با آنکه کماکان عنصر بازیگوشی و کنش محوری شخصیت وجود دارد، اما روابط علت و معمولی که لازمه‌ی شکل گرفتن داستان کوتاه به معنای ادبی آن است وجود ندارد. ماجرای خروس و جوجه هاش و

شخصیت اصلی تا جایی که با هم رو در رو قرار گرفته‌اند خوب و منطقی ست، اما از جایی زنیور وارد داستان شده و پای شخصیت را مجروح می‌کند، چندان ربطی به لنگ زدن خروس در پایان داستان نداشته و انگار که نویسنده برای بستن و پایان دادن داستان آن را به دلخواه خود وارد داستان کرده است:

«صبح روز بعد که شنبه بود، بابام داشت می‌رفت مدرسه که خروس همسایه را دید، اما نه آقا خروسه دنبال بابام کرد و نه بابام فرار کرد، آخر هر دویشان لنگ می‌زدند!!!»

{اولی به خاطر لگد خوردن و دومی به خاطر نیش اتفاقی زنیور} (از داستان خروس جنگی)
زبان و لحن در داستان‌های این مجموعه برگرفته از زبانی کودکانه و در جهت تقویت ارتباط خواننده با متن است. به دیگر سخن راوی به هنگام روایت، نه تنها قواعد ادبی شدن متن را رعایت کرده، بلکه در گامی فراتر، طوری داستان‌ها را روایت می‌کند که انگار جمله‌ها، تصویرها و رخدادها همان‌هایی هستند که کودک انتظارش را دارد. این نکته از آن جهت مهم است که به نظر نویسنده‌ی این نوشتار، زیر بنای ارتباط متن با خواننده، نثر به کار رفته در آن است. چه بسا داستانی دارای مضمون بکر و جذابی باشد و تنها در اثر رعایت نکردن قواعد نوشتاری مربوط به آن رده‌ی سنی، از خواننده شدن بی‌نصیب بماند. استفاده از جمله‌های خودمانی و کودکانه، کم دامنه بودن گستره‌ی لغات به کار گرفته شده در متن، و ضرب آهنگ یک دست جمله‌ها همگی این متن را خوش خوان و روان کرده است. مانند:

«وقتی بابام کوچک بود، صبح روزی بهاری توی بالکن زیر آفتاب دراز کشیده بود و یک مشت هم ارزن ریخته بود روی شکمش و جوجه‌ی ناز بابام هم داشت تند و تند دانه می‌خورد.»

خنده و سرگرمی دو جزء جدا نشدنی از دنیای کودکان هستند. در متن‌هایی که برای بزرگسالان نوشته می‌شود عنصر خنده تنها وقتی دارای ارزش است که کارکردی در جهت پیشبرد داستان داشته باشد؛ مانند ژانر طنز که رساندن مفهوم بر عهده‌ی نوعی روایت خنده دار گذاشته می‌شود. اما به نظر نویسنده‌ی این نوشتار خنده دار بودن داستان‌های کودکان حتا اگر کارکردی جز خندانیدن کودکان نداشته باشد، باز هم به تنهایی دارای ارزش است. چرا که خنده جزوی از زندگی کودک و از الزامات کودکانگی اوست. از طرف دیگر سرگرم کننده بودن نیز از مقولات زندگی کودکان است و کودک بدون سرگرمی نمی‌تواند کودک باشد. اگر چه هدفمند بودن داستان و داشتن پیامی درخور توجه و انتقال آن به کودک همیشه حائز اهمیت بوده و هست، اما همین پیام‌های آموزشی نیز باید در قالب قصه یا داستان به کودکان انتقال یابند که در آن صورت هم شیرین‌تر و هم موثرتر خواهند بود.

نظریه‌های گوناگونی درباره‌ی ادبیات کودک وجود دارد که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به تاکید بر آموزش یا سرگرم کننده بودن متن نام برد. امروزه به تجربه و علم ثابت شده که کودک به سرگرمی نیاز بیشتری دارد تا آموزش صرف. اگر متنی توجه کودک را به خودش جلب کند، پس از آنست که می‌تواند در ضمیر آگاه و ناخودآگاه او تاثیرگذار باشد. در همه‌ی داستان‌های این مجموعه به خنده دار و سرگرم کننده بودن توجه ویژه‌ای شده است. طوری که اگر بخواهیم تنها با تکیه بر همین دو عنصر این کتاب را تهیه کرده و بخوانیم، باید گفت که نویسنده به خوبی از عهده‌ی کار بر آمده و موفق عمل کرده است. به نمونه‌ای توجه کنید:

«بابام... مارمولک را هم از جیبش در آورد و سر دیگر نخ را بست به گردن مارمولک. آخر می‌خواست ببیند کدامشان قوی ترند. بعد هر دویشان را گذاشت روی زمین و ولشان کرد. مارمولک شروع کرد به دویدن و ملخ هم پرواز کرد...» (از داستان حیوانات نیمه اهلی)

علاوه بر همه‌ی ویژگی‌هایی که در بالا آورده شد می‌توان به:
تصویری بودن جمله‌های به کار رفته در متن - تنوع شخصیت‌های فرعی - تصویرگری ساده و گیرای خانم خائف و سلسله وار بودن داستان‌ها اشاره کرد که اگر چه هر کدام در ظاهر از هم جدا هستند، اما هر خواننده‌ای پس از خواندن آن‌ها پی می‌برد که این گونه حوادث جزوی از زندگی هر کودک می‌تواند باشد، اجزایی که چندان هم بی‌ربط با هم نیستند. نوشتن برای کودکان علاوه بر کیفیت نگارش و تصویر، به عنصر کمیت نیز بستگی دارد. در این مجموعه به بیشتر داستان‌ها طوری پرداخته شده است که در یک بار خوانش کودک لذت لازم را از متن برده و می‌تواند کتاب را تا خوانش داستان بعدی ببیند. زیرا دیده شده‌اند داستان‌هایی که اسم داستان کوتاه دارند ولی آن قدر به درازا کشیده شده‌اند که حوصله‌ی خواننده را سر برده و مخاطب دست آخر کتاب را کنار گذاشته، یا در چند خوانش آن را به پایان می‌برد. برای کودکان هر رده‌ی سنی خوب‌تر آنست که هر داستان بسته به حوصله‌ی کودک در یک خوانش تمام بشود تا ماندگاری بیشتری در ناخودآگاه او داشته باشد.

علی احمدی با نوشتن این مجموعه نشان داد که نویسنده‌ای چیره دست است که طبع کودکان را خوب می‌شناسد و به ریزه کاری‌های کنش کودکان توجه ویژه‌ای دارد. از بهترین ویژگی‌های این مجموعه انتقال پیام در قالب قصه‌های خنده دار است که با خواندن آن اتفاق‌های دوران کودکیمان دوباره زنده و ساخته می‌شود.